

عجم زنده کردم بدین پارسی

گفتگوی ابرار ، با موسس بنیاد نیشابور :

استاد فریدون جنیدی

پژوهشگر و محقق زبان فارسی

هدف اصلی و بزرگ ما، تشکیل دانشگاهی است که همچون دانشگاه‌های بزرگ ایران باستان، (چون نظامیه نیشابور و مدرسه صابونی و ...) «دانشگاه بی مدرک» باشد تا در آن پژوهندگان «علم را برای علم و نه برای مدرک» بخوانند.

این بخشی از سخنان «فریدون جنیدی» موسس «بنیاد نیشابور» بود.

وی در ادامه گفت کتابخانه و بایگانی عکس و اسلاید بنیاد نیشابور با همه ی کوچکی گنجینه ی در خور نگرشی است که بی هیچ ضابطه ای همواره به روی پژوهندگان باز است و هر دانشجوی ایرانی که بخواهد در هر رشته ی فرهنگی و در هر یک از مقاطع تحصیلی لیسانس تا دکترا، رساله بگذراند می تواند از راهنمایی و همکاری رایگان بنیاد نیشابور برخوردار شود.

«سرویس آینه ی هنر» با توجه به اهمیت زبان و بیانات مقام معظم رهبری که فرموده اند: «زبان هویت ملی ماست» و ضرورت پرداختن به این مسأله، با یکی از استادان فعال در زمینه ی زبان و فرهنگ ملی ایران گفت و گویی انجام داده است که حاصل آن را تقدیمتان می کنیم.

* آینه ی هنر: استاد لطفاً در مورد زبان فارسی و شیوه هایی که بتوان به آن غنا بخشید توضیح بفرمایید.

- برای اینکه ما یک زبان فارسی نیک و هماهنگ و خوشایند و همچنین شیوه نثر دلپذیری داشته باشیم مستلزم کوشش فراوان است و البته باید تا آنجا که ممکن است واژه های فارسی را پیدا کرد و واژه هایی از گویش های ایرانی و زبان های ایرانی به یاری زبان فارسی آورد؛ گروهی امروز واژه سازی می کنند و باید گفت واژه سازی به ۳ صورت ممکن است.

* آقای جنیدی چه گروههایی واژه سازی می کنند؟

- گروههایی که به اصطلاح می خواهند «سره» نویسی بکنند بیشتر اشخاص هستند و به صورت انفرادی با چاپ کتب مختلف مبادرت به این کار می کنند.

فارسی باستان یا «سنسکریت» بسیار دشوار است برای اینکه اولاً واژه از آن زمان تا به حال سایش پیدا کرده و ساده تر شد. بکار بردن واژه به همان ترتیب که در اوستا آمده در زبان فارسی امروز جایز نیست، مثلاً فرض بفرمایید در اوستا آمده است «رئوچنگ» این واژه در زبان فارسی باستان شده «رئوچه» در زبان پهلوی کهن شده «روح» در زبان پهلوی نوتر، شده «روژ» در زبان فارسی دری شده «رز» و امروزه این واژه را «روز» می خوانند این واژه در زبانهای دیگر کوتاهتر هم شده است مثلاً در کاشان و در دامغان «روح» هم خوانده می شود. واژه «لویس» ارمنی هم به معنی «روز» از همین ریشه است خب حالا فرض بکنید که ما کلمه روز را در زبان امروز داشته باشیم و حالا اگر بخواهیم واژه «رئوچنگ» را بیاوریم، جایز نیست برای اینکه گفتن آن دشوار است کلمه ی سنگینی است و نمونه های دیگری را هم می توان شمرد که اگر بخواهیم از اوستا بیاوریم دچار مشکل می شویم و زبان فارسی امروز را دنداندار می کند و یا به اصطلاح «مضرس» می کند.

خب حالا اگر هم بخواهیم این واژه ها را خلاصه بکنیم تا خوشایند شود کار هر کسی نیست و این خلاصه کردن کار کسی است که واقعاً زبان اوستا و فارسی باستان و پهلوی را به خوبی بشناسد و به زیبایی های زبان فارسی آشنا باشد. بعضی از افراد که آشنایی کامل با زبان کهن ندارند گاه واژه سازی می کنند که درست نیست مثلاً من از یکی از نویسندگانی که سعی می کند از این کارها بکند، نمونه ای می آورم.

این نویسنده محترم به جای گورستان آورده است «نکان گاه» البته در اوستا «کن» یعنی کند «نی کن» و «نی» اشاره به پایین است. مانند «نی شستن»، «نی هفتن» و «نی هادن» همه اینها در فارسی شده است «نشستن»، «نهفتن» و «نهادن» بنابراین «نی کن» یعنی حفر کردن و گودان کردن، آن وقت وی «نی کن» را کرده «نکان» و بعد گفته «نکان گاه» یعنی گورستان، خب این واژه درست نیست برای اینکه اولاً «نی کن» را چرا کرده «نکان»؟

ما میتوانیم ساده تر بکنیم ولی نمی توانیم، (ا) را (آ) بکنیم یعنی دشوارترش بکنیم و دوم اینکه وقتی ما واژه ی فارسی گورستان را داریم چه دلیلی دارد که «نکان گاه» بجای آن به کار ببریم؟ اصلاً چه نیازی بود؟ به نظر من این طور کارها یکی هنرنمایی است که دردی را دوا نخواهد کرد، راه دوم واژه هایی است که گروهی امروز خود شروع می کنند به ساختن، مثل واژه «فراگرفت» که نمونه اش زیاد است این واژه ها هم ساختگی است و به زودی از بین خواهد رفت مانند ریگ که پس از یک موج ته نشین می شود. سوم این است که ما از واژه های زبان ایرانی کمک بگیریم که این بهترین راه است برای اینکه این واژه ها هم مثل زبان فارسی در طول چندین هزار سال سایش پیدا کرده اند و آماده شده اند برای اینکه امروز بتوانند به زبان فارسی یاری بدهند.

بنده شخصاً بنا بر این گذاشته ام ضمن اینکه بزگترین کار را در زمینه فرهنگ اوستا در «بنیاد نیشابور» کرده ایم در زمینه زبان پهلوی هم کار عظیمی کرده ایم و همین طور در زبان سنسکریت این کوشش ادامه دارد و قبلاً هم خودآموز زبان پهلوی را چاپ کرده ایم و هم اینک بیشترین کوشش را برای تهیه فرهنگ زبان امروز به عمل آورده ایم.

مثلاً ما در سال گذشته دو کتاب در زمینه فرهنگ زبان «راجی» منتشر کردیم. زبان «راجی» زبانی است که در مرکز ایران و در دلیجان و خمین و محلات و ... تکلم می شود که البته مرکز آن در دلیجان است.

* «راجی» به چه معنا است؟

- احتمال می رود که مربوط به ری باستان باشد.

* آیا آثار و شواهد مکتوبی هم از این زبان در دست هست؟

- بله، در بعضی از نوشته های کهن مثل «شمس قیس» هست، ما از ری باستان مثالهایی داریم که امروز راجی زبانان می توانند آن را معنی بکنند.

* آیا در حال حاضر هم، به این زبان صحبت می کنند؟

- بله تمام آن شهرهایی که نام بردم همه به گویش های مختلف زبان « راجی » صحبت می کنند منتها بهترین گونه اش در دلیجان است.

* آیا یک زبان کامل است یعنی تمام قواعد مربوط به یک زبان را داراست و یا اینکه بیشتر یک گویش و لهجه است ؟

- بله یک زبان کامل است و میتوانیم آن را به عنوان یک زبان در ردیف زبانهای پشتو و اردو و کردی و دیگر زبانها به حساب بیاوریم . بله عرض کنم یک زبان دیگری که فرهنگ آن را سال گذشته چاپ کردیم زبان «بیدوی» است. «بیدوی» یک روستای خیلی آباد و بزرگ در دل کویر کاشان است و در آن روستا، هم فرهنگ خیلی زنده و فعالی جریان دارد و هم اینکه مردمش گویش خیلی خوبی دارند که فرهنگ آن هم جمع آوری شد.

یک جزوه دیگری هم چند سال پیش چاپ کردیم به نام زبان « رومانو » ؛ کسانی که زبان شناسی خوانده اند عنوان می کردند که زبان ممکن است ساختگی باشد و برخی می گفتند که این زبان ممکن است یک زبان رومی باشد یعنی رومیانی بوده اند که در چند سال پیش به ایران آمده اند اما ما سطحی نگاه نکردیم و جستجو کردیم و بعد به ما معلوم شد که از این زبان دو نوع گویش با تفاوت اندکی در یکی از روستاهای قوچان و ده زرگر نزدیک کرج و قزوین جریان دارد.

* شما این زبان را چطور کشف کردید؟

- من در کنگره فرهنگ و ادب کردی در مهاباد بود که یکی از کردهای قوچان به نزد من آمد و گفت ما یک زبانی داریم و من چند واژه از او پرسیدم و بعد دیدم درست می گوید و از وی تقاضا کردم و گفتم دستت را می بوسم و بیا تا ما یک واژه نامه تهیه بکنیم و او هم قبول کرد و چند سال طول کشید تا ما این واژه نامه را مدون کردیم. بعدها ما تحقیق کردیم دیدیم این زبان « روما » و شاخه ای از کولی های آبیایی هستند که در اروپا شناخته شده هستند مثلاً اقوام «روما» در آلمان تحت ظلم هیتلر هم بوده اند و پس از هیتلر هم نتوانستند سربلند بکنند.

منظور بنده این است که این بهترین نوع یاری رساندن به زبان فارسی است مخصوصاً این که همواره از سوی مقام معظم رهبری تأکید می شود که زبان فارسی را باید به کار بگیریم و این وظیفه همه است و ما باید کوشش بکنیم بخصوص ما فرهنگیان باید متوجه بشویم که چطور باید این کار را کرد و ما باید اول به آن نیرو بدهیم بعد به کار بگیریم به طوری که بتوان در برابر هجوم زبان بیگانه و کشورهای قدرتمند که با اقتصاد و سیاست به جهان چیره شده اند ایستادگی بکنیم و این راهی ندارد غیر از اینکه گنجینه زبان فارسی را غنا بخشیم من قبلاً به فرهنگستان زبان نامه نوشتم و گفته بودم شما اندکی بیشتر مطالعه کنید و از متون فارسی مثل بیهقی، اسرار التوحید، بلعمی و .. واژه های فارسی را پیدا کنید و به کار بگیرید.

من نمی خواهم نام ببرم ولی یکی از مسوولان فرهنگستان در جواب گفت که آقا این کار خیلی مشکل است و من هم گفتم بله مشکل است ولی به هر صورت مرد باید تن به کارهای مشکل بدهد و کار فرهنگستان مشکل است و دیدید که با این وضع کارش به کجا انجامید و من اکنون هم معتقدم بزرگترین نیروها را باید روی این کار بگذاریم و هرچه زودتر زبان فارسی را دریابیم و این واژه ها را هر چه زودتر به کمک زبان فارسی بیاوریم من میتوانم در این زمینه برای شما مثال بیاورم:

اگر در زبان امروز فارسی بخواهیم از کسی اجازه بگیریم که کاری را انجام دهیم یا باید بگوییم که «اجازه بده» که عربی است یا باید بگوییم که «بگذار» که این کار را انجام بدهم در زبان «بیدوی» این واژه را می گویند «به هرز» اگر به این واژه نگاه بکنید «هرزیدن»، «هلیدن» و «هشتن» است «بهل» و می بینیم که در زبان یزدی هم کاربرد دارد به صورت «بل» و نیاکان ما این ها را به کار برده اند ولی این واژه ممکن است نزد ما آشنا نباشد در صورتی که بیشتر اقوام از جمله کردها این واژه ها را به کار می برند. مثلاً «بهل تا بروم» (به هرز تا بروم) و این، بهتر است تا بگوییم بگذار تا بروم یا بگوییم اجازه بده تا بروم یا این که در همین زبان «بیدوی» به صاعقه می گویند «فرای» که یک واژه آریایی است و در انگلیسی هم این واژه به معنای سرخ کردن و کباب کردن به کار می رود و صاعقه را هم که توجه بکنید می بینید که همین معنی را دارد و بهتر است که از این واژه کمک بگیریم و بعد از این به جای صاعقه به کار ببریم.

* ما چگونه باید به این منابع و فرهنگ ها دسترسی پیدا بکنیم؟

-این یک وظیفه مهم فرهنگیان است. بنیاد نیشابور به سهم خودش بیشترین سعی اش را بر سر این کار گذاشته است ما الان چندین کتاب فرهنگ از واژه های ایرانی در دست داریم که به مرور اگر خدا بخواهد چاپ می کنیم که یکی از اینها فرهنگ «تاتی، تالشی آذری باستانی» است که فرهنگ خیلی مفصلی است که اولاً همبستگی آذربایجان باستان را با تاتار و با تالشی ها نشان میدهد و از بابت وحدت ملی برای ما خیلی خوب است ثانیاً واژه های زیبا و جدیدی به یاری زبان فارسی می آورد...

فرهنگ واژه های ایرانی در زبان ترکی و بوربور چین که در برگیرنده هشت هزار و پانصد واژه ایرانی در بور بور چین است که چند هزار فرسنگ آن سوتر از ایران واقع است و جالب این است که در همان استانی که «بوربورها» هستند ایرانی تبارها هم هنوز هستند و به زبان شیرین فارسی صحبت می کنند و آدابشان ایرانی و دینشان اسلام است و شیعه اسماعیلی هستند و هنوز یک درخت گردویی را نشان می دهند و می گویند این همان درخت گردو است که آرش از فراز دماوند تیری افکند بر این درخت و عنوان می کنند از این درخت و عنوان می کنند از این درخت گردو به این سو ایران است و به آن سو توران. یعنی در «کاشغر» و «سین کیان» معتقدند که این جا سرزمین ایران است و وقتی چنین استعدادی در سرزمین پارسی گویان است ما بدون اینکه بخواهیم اندیشه جهانگیری داشته باشیم و بدون اینکه بخواهیم احترام مرزهای

کشورها را از بین ببریم می توانیم از محدوده و مرز گسترده فرهنگ ایرانی کوشش کنیم، تا همه این ملت ها را از بابت فرهنگی که دارند همبسته بکنیم.

* شما واژگان و یا فرهنگ لغات برای موسیقی نوشته اید؟ یا در برنامه تان دارید؟

- سال پیش یک مقاله برای کنگره باربد نوشتم و چند واژه را به صورت ابتدایی معرفی کردم که بد نیست به عنوان مثال چند نمونه اش را اینجا بیاورم امروز می گوئیم «ساز» در صورتی که ساز درست نیست و اصل واژه ای که امروز به معنی ساز به کار می بریم «رود» است و آن وقت گفتن «رود» را «ساز» کردن به جای «ساز» را «کوک» کردن درست است.

یا به جای «موسیقی» که واژه یونانی است و از ریشه «موزا» گرفته شده و می دانید که یونانیان عنوان می کردند که در طبقات آسمان فرشتگان و یا خدایانی هستند بنام «موز» و اینها موسیقی می نوازند و از این واژه «موز» واژه موسیقی ساخته شد و ما می دانیم که چنین چیزی درست نیست و درمتون پهلوی راجع به این واژه آمده است «هونیاک» و این واژه در اصل «هونیاک» بوده است «نواک» همان «نوا» است و «هونواک» یعنی نوای خوش بنابراین «خنیاگری» که می گویند در زبان پهلوی «هونیاگری» بوه است و امروز ما بهتر است همان «خنیا» را بکار ببریم و یا اگر به کار بردن «خنیا» سخت است بگوئیم «نوای خوش» به جای موسیقی.

* آیا به نظر شما به کار بردن کلمه «موسیقی» با این که واژه جا افتاده ای است ایجاد مشکل می کند؟

- ببینید اصل واژه «موسیقی» غلط است چون بر اساس بت پرستی است و بر اساس شرک است . ما باید برای زندگی خودمان آرمان داشته باشیم و اگر بر اساس آرمان خودمان زندگی بکنیم نباید این واژه را که بر اساس خدایان دروغین یونان است به کار ببریم.